

مشهد در قرق ملخ‌ها (جراید)



این که اسباب بازی است که نبودن
تول وشت رفتن بودم
کرم آفت واقعی بزدن!

کمی می‌دونه
سوله کجا می‌دن؟

یک پارچستی آرمک!
دو پارچستی آرمک!
آثر به دنی آرمک!

ببین منو کی آوردی ماهان؟
هوا پراز بوز کرده. اصلابه
فکر سلامت ما نیستی!

کارتون: محمدعلی رجایی

شماره بعدی پنجوا
بعد از ایام محرم
و صفر (۲۴ مرداد)
منتشر خواهد شد

شیر را از مردم
و مردم را از شیر نگیریم

گیر کق / صفحه ۵

برق دانش آموزی

میشه ایچور بره!! / صفحه ۲



برق دانش آموزی

خرداد: همه مدارس به پنل های خورشیدی مجهز می شوند. (ایرانا)

مهرماه ۱۴۰۵: اعلام شد دانش آموزان به محض ورود به مدرسه باید کفش هایشان را در بیاورند. چون پنل خورشیدی یا جواب نمی دهد یا قطع است یا سرویس نشده است. بنابراین در حیاط همه مدارس فرش پهن کرده اند تا دانش آموزان با کشیدن پایشان روی آن، الکتریسیته ساکن تولید کنند. دانش آموزان موظف اند بار الکتریکی خود را داخل خازن بگذارند و آن را دم دفتر تحویل معاونان دهند.

آبان ۱۴۰۵: زین پس زنگ تفریح و مراسم صبحگاه به تولید برق اختصاص می یابد. در همین راستا و برخلاف گذشته که دانش آموزان نباید سر صف تکان می خوردند، اکنون می توانند حین مراسم وول بخورند و وجه وورچه کنند. چون هرچه اصطکاک بین پا و فرش بیشتر باشد، برق بیشتری تولید می شود.

آذر ۱۴۰۵: آموزش و پرورش اعلام کرد با وجود آنکه گرفتن هرگونه وجه با عنوان کمک به مدرسه از والدین به شدت ممنوع است، مدیران مدارس موظف اند از دانش آموزی که جرعه بیشتری زد و در تخلیه بار و تولید برق موفق تر بود، مبلغ کمک به مدرسه کمتری دریافت کنند!

شهریور ۱۴۰۶: طبق تصمیم آموزش و پرورش، نرخ نامه جدید شهریه نه بر اساس ریال و تومان، که بر اساس کیلووات ساعت خواهد بود. همچنین دانش آموزانی که توان خروجی کافی نداشته باشند، به دلیل افت ولتاژ، ثبت نامشان در سال آینده منتفی است!

مهرماه ۱۴۰۶: زین پس شماره دانش آموزی همه محصلان بر اساس وات و آمپر و ولت خواهد بود. مثلا دانش آموزی که برق صد وات با آمپر دوازده تولید کند، پنج رقم آخر کد دانش آموزی اش ۱۰۰۱۲ خواهد بود. **آبان ۱۴۰۶:** گزارش ها حاکی از آن است که برخی مدارس به جای اینکه سلامت دانش آموزان را بسنجند، ظرفیت دانش آموز برای تولید برق را می سنجند و اگر دانش آموزی به علت ولتاژ زیادش فیوز بپزند، یعنی شانس زیادی برای گرفتن بورسیه تحصیلی دارد.

دی ۱۴۰۶: وزیر آموزش و پرورش گفت: مدیران نیروگاه ها، نه ببخشید، مدیران مدارس نباید به ژنراتورهای سیار به چشم دانش آموز... ببخشید نباید به دانش آموزان به چشم ژنراتور سیار و منبع درآمد نگاه کنند. **بهمن ۱۴۰۷:** یک مدیر مدرسه گفت: اینکه می گویند ما به دانش آموزان به چشم کرم شب تاب نگاه می کنیم، حقیقت ندارد. زیرا برای تولید یک کیلووات برق، هزار تا کرم شب تاب لازم است. اما با یک دانش آموز که روی دینام رکاب می زند، می توان به راحتی تا صد وات برق گرفت. به خصوص که الان مدارس ما از همه نیروگاه های سیکل ترکیبی بیشتر خروجی دارند.

خرداد ۱۴۰۸: بر اساس مقررات جدید «دیپلم هرکس بر اساس مجموع آمپراژ سالانه صادر می شود. اگر دانش آموزی در ریاضی نمره کمتر از ۱۰ بگیرد، اما جریان دوازده آمپری تولید کند، به علت رسانایی بالا، نمره ۱۲ به او رسانده می شود!»

تیر ۱۴۰۸: هم زمان با نزدیک شدن زمان کنکور سراسری، اعلام شد معدل امتحانات نهایی دیگر نه تأثیر قطعی دارد، نه تأثیر مثبت! ولی هر قدر کارنامه دانش آموز براق تر باشد، یعنی برق بیشتری تولید کرده باشد، شانس بیشتری در کنکور خواهد داشت.



مشکل شخصی با ملخ ها؛ جهش بهانه است!

- سلام ملخ!
- سلام سوسک!
- شهر رو به هم ریختی دیگه چی می خوام ملخ؟! یک توک پا هم با ما راه نمی آید!
- کدوم شهر رو می گی سوسک؟! مشهد رو می گم که با فک و فامیلات هجوم آوردی ملخ!
- توی مشهد به این بزرگی مگه جای تو رو تنگ کردم سوسک!؟
- من که جام توی فاضلاب و چاه نواله، گرم و نرم و محفوظه! از این لحاظ می گم که باعث ایجاد رعب و وحشت بین مشهدی ها شدی!
- مگه ملخ خون آشام یا گرگ نمایی ملخی یا ملخ زامبی شدم که رعب و وحشت ایجاد کنم؟! من یک حشره صلح طلبم که یک گوشه نشستم و گندمم رو می خورم!
- تا وقتی نشستی، ترس چندانی نداری ملخ، ولی وقتی می جهی، خیلیا رو می ترسونی، علی الاصول جهش و پرش و پرواز حشرات از انابل و جن گیر و عروسک شیطانیه هم ترسناک تره! من هم نسخه سوسک پلاس توربوام که پرواز می کنه، خیلی ترسناک تره و آدم رو تا مرز سکنه ناقص پیش می بره!
- سوسک! از اون علی الاصول که گفتی، مشخص شد سوسک تحصیل کرده ای هستی! فی الواقع مردم اگر از جهش و پرش و پرواز ترس دارن، پس چرا از جهش قیمتا و پرش تورم و پرواز مواد غذایی از سفره شون نمی ترسن و جیغ نمی کشن و فرار نمی کنن!؟
- حق با توست ملخ!
- پس فی المجموع به این نتیجه می رسیم که آدم با ما حشرات مشکل شخصی دارن ملخ! جهش بهانه است!
- بله ملخ!
- پس تا اطلاع ثانوی موضوع کنسله!
- باشه ملخ!



کُخ تو رُخ



سواحل بندعباس

۲



چی چی رو این مرتبکه وزیر خارجه آمریکا حرف مفت زده که کشنیا از ترس ایران توی تنگه خم نمی خورن؟ کشنیه بریزو تا حالا پنجاه سانت جابه جا شده! خودم با چشای خودم دیدم.

نه اون چیزه، فلاسکش رو داد من آب جوش کنم، دستش نمی رسید بگیره، مجبور شد به عقب جلو کنه.

اختتامیه جشنواره «قهرمان ایران» با حضور رئیس جمهور و وزیر ورزش و جوانان

۱



جدی این کشور رو از کجا می آری احمد؟ اول که با گامبیا تدارکاتی زدین، حالام با گر چی چی؟

گر ماتنن آقا؟

گر نادا قربان! همه شون نیست زیر یونز نقشه دنیان کسی نمی شناسه، وگرنه توی فوتبال سرشناسن رئیس!

در حاشیه تماس تلفنی تند ترامپ با نتانیاهو

۴

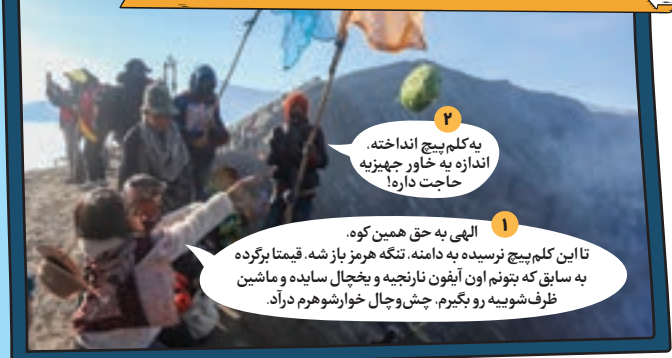


قربان، نتانیاهو تماس گرفته، شاکی می گه به بار دیگه فحش بدین، به ملاپای می گه فلفل بریزه.

دیوانه لعنتی فحشه؟ بهش بگو وقتی با من حرف می زنه، دهانش رو ببندد کثافت مریض!

ارائه نذورات در کوه جاوه اندونزی

۳



یه کلم پیچ انداخته، اندازه به خاور جهیزیه حاجت داره!

الهی به حق همین کوه، تا این کلم پیچ نرسیده به دامنه، تنگه هرمز باز شه، قیمتا برگرده به سابق که بتونم اون آیفون نارنجیه و یخچال سایده و ماشین ظرف شویی به رو بگیرم، چش و چال خوار شوهرم درآد.



مهدي محمدی

آمبولانس با بیمار اضافه!

مدیریتی بی نظیر، دیگر کسی بر اثر حمله خرس کشته نمی‌شود. چون خرس‌ها منقرض می‌شوند و خرسی باقی نمی‌ماند که بخواهد کسی را بکشد!

صحیح‌ترین پرسش هفته: دو باره تیتراهای رسانه‌های دولتی با این مضمون راه افتاده که چرا بنزین از آب معدنی ارزان‌تر است؟ به نظر ماکه این سؤال از بیخ اشتباه است! سؤالی که باید ذهن نوابغ اقتصادی ما را به خود مشغول کند. این است: چرا آب معدنی از بنزین گران‌تر است؟! این سؤال متفاوت، برخلاف قبلی، نه تنها زمینه گرانی بنزین را فراهم نمی‌کند، بلکه توپ را به زمین مسئولان تنظیم بازار می‌اندازد و باعث می‌شود همه به این فکر کنند که عه؟! واقعا چرا این آب معدنی که به سادگی بازکردن شیر آب تولید می‌شود، از بنزینی که به سختی با استخراج و پالایش به دست می‌آید، گران‌تر است!

راباد دلار و یورو پر کرده و آماده پیوستن به جناب خاوری در سواحل کانادا است. ناگهان دم باجه پلیس ۱۰۰ با شنیدن هزینه دوبرابر شده گذرنامه، بی خیال کانادا می‌شود و به این ترتیب، با افزایش هزینه گذرنامه، نه فقط جلو فرار مغزهای بزرگ، بلکه جلو فرار شکم‌های بزرگ و جیب‌های گشاد نیز گرفته می‌شود!

کنده‌ترین خرس هفته: آذرماه پارسال یک توله خرس در پردیسان گم شد و معاون محیط زیست با ژرف نگری خاص فرمودند: شاید چون کوچک بوده، کسی آن را برداشته و برده است! (بسیار منطقی و محیط زیستی!) این هفته هم خبر آمد در فوکوشیمای ژاپن یک خرس گنده به چهار نفر حمله کرده است. سال گذشته هم سیزده نفر بر اثر حمله خرس کشته شده‌اند. به نظر ما برای جلوگیری از چنین وقایع ناگواری باید یک محموله از مدیران محیط زیست کشورمان را به ژاپن صادر کنیم. با این تفکر

خطرناک‌ترین منجی هفته: لطیفه‌ای بود با این مضمون که یک آمبولانس وقتی به بیمارستان برگشت، چهارتا زخمی تصادف عقبش بود. مسئولی که بیماران را از آمبولانس تحویل می‌گرفت، با تعجب گفت: ولی به ما گفتند شما قرار است فقط یک زخمی را به بیمارستان تحویل دهید، این‌ها که چهار نفرند! راننده با کمال افتخار گفت: سه نفرشان را خودم زیر کردم! حالا این اتفاق عینا به واقعیت پیوسته است! در جریان یکی از دیدارهای فوتبال اکوادور، خودروویژه انتقال بازیکنان مصدوم، هنگام خروج از زمین بایک بازیکن دیگر برخورد کرد و او را نیز با موفقیت به جمع مصدومان افزود.

مفیدترین گرانی هفته: در خبرها آمده بود که هزینه گرفتن گذرنامه دوبرابر شده است. فکرش را بکنید؛ یک اختلاسگر محترم پس از زحمات شبانه‌روزی و هضم چند هزار میلیارد تومان سرمایه ملی، درحالی که چمدانش



امیرحسین پنجهباشی

سُر سُر

مخبر الشعرا

لته

در حاشیه صحبت‌های تند ترامپ با نتانیاهو از ترس واکنش ایران



امیرتتلاو از مسئولان خواست آزارش کنند تا به تیم ملی ملحق شود (خبرفرا)

مشخص هست که ساقی ایشون همیشه هست هر جایی تو میدون چه ساقی وفاداری که حتی نکرده ترک اون روتوی زندون

رئیس جمهور برای میزبانی از کت خود را آورد (فارس)

رئیس جمهور باشد نمره اش بیست بله، این طور باید واقعا زیست ولی دارم سؤالی من، چطوری بفهمیم آن زمان که کت تن کیست؟

تورم ۳۰ درصدی اقلام خوراکی، روغن و تخم مرغ در صدر گرانی‌ها (شهرآرا)

تورم هر کجا رو کرده داغون و کالا برگ هم جا مانده از اون فقط یک نیمرویی سهممون بود همون هم شد دریغ از سفره هامون

ارکای پزشکی ترامپ: «دست‌دارن مکرر» کلت کیوی دست‌های رئیس جمهور آمریکا! (ایسنا)

دیگه این جوری شو هیچ کی ندیده دروغ می‌گه پزشکی، این بعیده آخه این مردک کله هویجی مگه با هر دو دستش دست می‌ده؟

سی‌ان‌ان: اسرا بی‌گناهی‌ها می‌گویند ترامپ در جنگ با ایران، ما را زیر آتوبوس انداخته است. (انتخاب)

یکی دو تا نکشته، کشته خیلی الهی که ذلیل شه این طفیلی آتوبوس واسه «بی بی» کمه، کم الهی که بره زیر تریلی!



با سفرکارت، برو پی کارت

گیرا (۱)

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی (وای از نفس افتادم...) گفت به زودی با همکاری برخی بانک‌ها، کارت‌های سفر تهیه می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد تا از طریق آن، مردم بتوانند هزینه‌های سفر خود را در درازمدت به صورت اقساطی پرداخت کنند. خیلی هم عالی. (تا حالا برای مسافرت زیر بار قسط وام نرفته بودیم که به لطف دولت برای این هم بدھکاری می‌شیم.) به همین بهانه، روزنوشت‌های یک مسئول صدور سفرکارت را با هم ورق می‌زنیم تا بیشتر با این پدیده آشنا شویم.

مسیر از چپ به راست



۱۶ خرداد ۱۴۰۵ / شماره ۱۷۵

۴

بهترین طرح کالم

سفرکارت خیلی طرح خوبیه. بعد از مدت‌ها یک طرح کاربردی و مفید توی کشور انجام شد؛ به خصوص از وقتی که من بازنشسته شده بودم و کتخ خونه نشسته بودم. حالا برای خدمت به مردم سرزمینم دوباره به خدمت فراخونده شدم تا در فرایند صدور سفرکارت انجام وظیفه کنم. دست آقای مهندس درد نکنه که از بانیان این طرح بود. دیشب به اعظم خانوم، خواهر عیال، گفتم که از آقای مهندس تشکر ویژه کنن و سلام مخصوص من رو بهش برسونن. نمی‌دونم مردم چرا پشت سر با جناغاشون بد می‌کنن! موجودات به این گلی.

تأمین سه‌سوته بورجه

امروز برای تأمین بودجه سفرکارت‌ها جلسه داشتیم. یک مقدار حرف و حدیث درباره پولش بود که خدا رو شکر توی جلسه امروز به نتیجه رسیدیم. آقای دکتر و آقای مهندس نگران بودن که از کجا پول جور کنیم. به چند جا زنگ زده بودن و همه گفته بودن خبری از پول نیست.

دوسه تا سازمان هم گفته بودن اگر پول مول دارین، به ما هم بدین. بالاخره خودم راهش رو یافتم. پیشنهادی دادم که با کسب همه آرا تصویب شد. قرار شد نصف پول سفرکارت رو بیارن روی قبضای برق و آب و گاز مشترکا. چون وقتی می‌رن سفر، از این چیزا توی خونه‌شون استفاده نمی‌کنن و باید پولش رو بدن برای سفر خودشون. نصف دیگه بودجه رو هم بنا شد بیاریم روی کارمزد وامی که به خود مردم می‌دیم. یعنی اگه کارت‌شون ۱۰ میلیون اعتبار داره، ۱۵ میلیون باید پس بدن. قرار شد به عنوان پالیوت و برای تست، سری اول کارتا رو بدیم به اعضای خانواده خودمون تا توی آزمون و خطا، مشکلات کار معلوم بشه و بعد اگه ایرادی توی کار نبود، از بقیه مردم شروع می‌کنیم. دیگه قرار شد طرح بره مراحل بالا تا تأیید بشه.



آره، خدا خیرشون بده. اولش فکر می‌کردم می‌خوان این رو هم مثل افزایش رقم کالا برگ بیچونن!

درسته یه کم طول کشید که این سفرکارت رو بدن. ولی در عوض تونستیم باهاش این سفر به پارک سرکوجه رو بیایم.

سازوکار، کاملاً دقیق

بحث بر سر جزئیات کار بود که این کارت رو به کیا و برای چه مسافرتایی باید بدیم. برای سفرهای چندتا محدودیت گذاشتیم تا کار منظم و طبق قانون پیش بره و سفرای غیرضروری رو غربالگری کنیم. مثلاً برای ترویج ایرانگردی، به مسافرهای خارجی این کارت رو نخواهیم داد. همچنین سفرای دونفره و بیشتر شامل این سفرکارت نمی‌شن. یا سفر به شهرایی که بیشتر از صد کیلومتر با مبدأ فاصله دارن و سفر به شهرایی که توی اسمشون «الف و ی» باشه هم این کارت بهش تعلق نمی‌گیره. یک سامانه هم طراحی کردیم تا متقاضیا توش ثبت نام کنن و به ترتیب سفرکارتاشون رو بگیرن. البته مشکلی هم توی تأمین خودکارت خام داریم که حالا قرار شد من یه سفر برم چین تا ببینم کارت خام ارزون می‌تونم بگیرم یا نه. به هر حال ما حاضریم برای رفاه حال مردمون هرکاری انجام بدیم.

هویت بخشی به بادهای موسمی

از قدیم گفته اند که ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند... اما آیا کار باد فقط چرخاندن آسیاب بادی در دوران باستان و توربین‌های برقی در زمان حاضر است؟ مطمئناً خیر! ریختن پلاستیک در خیابان به بادها نقشی تأثیرگذار می‌بخشد. باد دیگر مجبور نیست فقط هوای خالی را جابه‌جا کند؛ حالا می‌تواند پلاستیک‌های دسته‌دار را چون کایت به پرواز درآورد و باعث سرگرمی و نشاط و صف‌ناپذیر شهروندان شود.

حفظ سنن پلاستیک‌محور

شما که غریبه نیستید! هرکدام از ما، در مقام یک ایرانی اصیل، در اعماق کابینت‌ها یا حتی در قسمت فر اجاق‌گاز، یک کیسه پلاستیکی بزرگ داریم که خودش پر است از پلاستیک‌های کوچک و بزرگ، نو و کهنه، دسته‌دار و بی‌دسته. این مجموعه ارزشمند، نمادی از تدبیر، آینده‌نگری و هویت ماست! اگر قرار باشد دیگر از هیچ مغازه‌ای پلاستیک نگیریم، یعنی به روح اجدادمان که با وسواس پلاستیک‌ها را جمع‌آوری می‌کردند، خیانت کرده‌ایم!

فرهنگ شهروندی

کلثوم اکبری

چرا باید به پوشش «نه به پلاستیک» نه بگوییم؟

شیر از مردم و مردم را از شیر نگیریم

مدیر دفتر بهبود تغذیه جامعه وزارت بهداشت گفت «قیمت شیر در یک سال ۱۳۷ درصد گران شد». همچنین اعلام کرد سرانه مصرف لبنیات در ایران پنجاه کیلوگرم است؛ در حالی که این رقم در جهان به ۳۶ کیلوگرم می‌رسد و کمبود کلسیم در نسل آینده می‌تواند هزینه‌های درمان را افزایش جدی بدهد. برای همین به سطح شهر رفتیم و با مردم صحبت کردیم تا نظرشان را درباره لبنیات و کمبود آن در زندگی جویا شویم.



نمی‌دونم دقت کردی یا نه، ولی گاوم، گاوا! می‌فهمی؟

این جوری نمی‌شه که گوشت و شیرت هردو گرون باشه. بیا با یک مذاکره منطقی حلش کنیم.

کارتون: شهرام شیرزادی

یک ما پیر توزیع شیر کارت

نه آقا این حرفا نیست. لبنیات اصلا گرون نشده. فقط به مقداری قیمتش تعدیل شده. تازه تعدیل هم نشده. تصحیح شده. الان هم قراره تمهیداتی برای خرید لبنیات بیندیشیم تا مردم عزیز کشورمون از این نظر مشکلی نداشته باشن. چند تا شیرکارت توزیع می‌کنیم تا مردم بتونن ماست و پنیر قسطی بخرن. بعد هم شیربرگ رو به کالابریگا الحاق می‌کنیم تا مردم راحت‌تر شیر بخورن. یک سامانه «شیر من» هم افتتاح می‌کنیم تا قیمت روزانه ارزون‌ترین شیرفروشی دور و بر کاربر رو اعلام کنه. به هر حال ما هرکاری می‌کنیم تا مردم هیچ کمبودی توی هیچ زمینه‌ای حس نکنن. به خصوص موارد شیری.

یک کارخانه دار، شبیه شیر

متأسفانه درسته. شیر خیلی گرون شده. مدت هاست که ما با این مشکل درگیریم. خیلی غم‌انگیزه که برای گرونی شیر، مردم کشورمون به مشکل بخورن. من از الان نگران سال‌های آینده هستم که چه بیماری‌هایی در کشور شایع خواهد شد. طوری شده که بچه‌ها هم صداشون دراومده. دیگه چاره‌ای نیست. با این قیمت شیر، دیگه برامون نمی‌صرفه که توی محصولاتمون شیر واقعی بزنیم. برای همین پودر شیرخشک وارد کردیم و با اون تولید می‌کنیم. حالا امیدواریم که برای مصرف‌کننده هامون هم مشکلی پیش نیاد.

یک کارگر، اشکنه و می‌اشکنه

راستش ما مدت هاست که زیاد لبنیات مصرف نمی‌کنیم. از کل محصولات شیری، به ماست چکیده می‌گیریم که صبحانه و شام با نون می‌خوریم. به کشک می‌گیریم که اون رو هم اشکنه می‌کنیم و ناهار می‌خوریم. طعم بقیه لبنیات هم یادمون رفته. الان هم ببخشین، باید برم. خانوادگی وقت دکتر داریم تا برای پوکی استخوان همه مون به فکری بکنه. همین طوره که سر جامون نشستیم، بیهو دلنگی یکی از استخوانمون تقی می‌اشکنه.

یک آقا زاره: استخر شیر آهویا گاو؟

جدی لبنیات گرون شده؟ لعنت به باعث و بانی‌ش که مردم روز از حق طبیعی خودشون محروم می‌کنن. یادم باشه به ددی بگم که توی جلسه شب جمعه شون این موضوع رو به حاجی بگه. ای بابا... بد شد. قرار بود آخر هفته با بچه‌ها بریم باغ، می‌خواستیم توی استخر باغ شیر بریزم که حالا می‌گین گرون شده، مجبورم برنامه رو عوض کنم. قبلا شیر آهو می‌ریختم. حالا دیگه مجبوریم شیرگاو بریزیم. لعنت به این شانس. کاش به بچه‌ها و مهمونامون برنخوره. اگه قهرکنن و برگردن که من می‌دونم واونی که شیر رو گرون کرده.

یک بازنشسته: قروت بمک

ما که نه زمان کارکردنمون لبنیات می‌خوریم و نه حالا که بازنشسته شدیم می‌تونیم لبنیات بخوریم. ولی به جاش یه مشت قروت همیشه توی جیبم دارم که از پنجم هر ماه که حقوقم تموم می‌شه، تا اول ماه بعد که حقوق می‌ریزن (امیدواریم بریزن). اون قروتارو می‌ذارم گوشه لپم و می‌مکم. باز هم خداروشکر، امیدوارم که مدیرا هم به روزی مثل ما قروت بمکن.



جلوگیری از حملات آدم فضایی‌ها

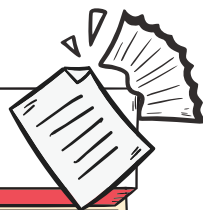
بزرگ‌ترین سپر دفاعی ما در برابر مهاجمان فرازمینی، همین پلاستیک‌ها هستند! وقتی آدم فضایی‌ها مشاهده کنند که ما با پلاستیک چقدر زمین را به‌گندکشیده‌ایم، خواهند گفت: عه! صد برابر نیرویی که برای فتح این سیاره نیاز داریم، باید صرف جمع‌آوری آشغال‌هایش کنیم! ولذا بی‌خیال حمله به زمین می‌شوند. این پلاستیک‌های دوست‌داشتنی، باعث می‌شوند کره زمین به جای اتمسفر، یک پلاستوسفر داشته باشد که مانع از پلاس شدن آدم فضایی‌ها روی کره زمین خواهد شد.

جهت ثبت در تاریخ

حتما که نباید روی سی‌وسه‌پل یا تخت جمشید یادگاری بنویسید تا نامتان در تاریخ جاودانه شود. با رها کردن پلاستیک در طبیعت، اثر حیات پرپرکت شما تا پانصد سال باقی می‌ماند. مثلا وقتی یک بسته خالی بیسکویت مادر را در جنگل رها می‌کنید، حداقل پنج قرن همان جا می‌ماند و آیندگان با بررسی این بقایای باستانی می‌توانند راز مهمی مثل «در پانصد سال پیش، وزن هر عدد بیسکویت مادر چند گرم بیشتر بود؟» را کشف کنند و شما را ناجی اطلاعات تاریخی بنامند!

واکسیناسیون محیط زیست

انداختن پلاستیک در طبیعت، یک جور واکسینه کردن محیط زیست است. واکسن ویروس ضعیف شده‌ای است که بدن را برای مقابله با ویروس‌های قوی‌تر آماده می‌کند! پس وقتی یک پلاستیک کوچک را در دامان طبیعت رها می‌کنید، در واقع محیط زیست را در برابر خطرات بسیار بزرگ‌تری مثل دود غلیظ نیمان آبی آب روغن قاطی کرده واکسینه کرده‌اید!



دستور رئیس جمهور برای پرداخت فوری

مؤلفانی که مطالبات گندم کاران زدند

بیرون انداختن

وزیر آموزش و پرورش:

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش:

بابت پاداش پایان خدمت، ریالی به فرهنگیان بدهکار نیستیم

تازه یک

جوری رفتار

می کنیم

انگار طلبکار هم

هستیم

با پرتاب

امتحانات نهایی از ۱۳ شهریور

مطالعه به دانش آموزانی که همش قبل امتحان می گویند

و ایاک من هیچی نخوندم

شروع خواهد شد

پیراهن چهار

۲۰ میلیون نفر در ایران خانه ندارند

به جایش راه راه می پوشند

رویو:

تا حالا فکر کردید چرا قطر کابین هم اندازه قطر

مذاکره با ایران شبیه مذاکره با

سواقیس نیست

عارف:

بازگشایی اینترنت فقط بخشی

از ماموریت ستاد عالی فضای مجازی بود

بقیه وظایفش را خورم

هم نمی دانم

افزایش ۱۰ تا ۱۵

درصدی قیمت بلیت

هواپیما در جهان

پس از اینکه آمریکا

تنش در منطقه

می خارید



یرگه

آرش آرایی

در حاشیه اعزام پیرترین تیم تاریخ ایران به جام جهانی

۱ برای جام جهانی چه کار ویژه ای بکنیم که امتیاز بگیریم؟

۲ یک کاری کنیم همه کنیم همه کنیم که با بازی سه مساوی بریم بالا

۳ یک تاکتیک خوب برای جام جهانی جدیدیم

۴ ایول چی چی هست؟

۵ بازیکنان مسن می بریم تو که همه تیم ها احترام ستمون رو نگه دارن و بذارن ببریم

۶ فراسیون فوتبال THE 5SETARE FEDRASION

۷ خدا کنه همین نود دقیقه دیسکم نزنه بیرون. خفه می شی. رو قبل از بازی درازی. می پره توی حلقه. خفه می شی. واکر من رو برداشتن؟

تاسوس

نوزاد نهنگ روزانه ۶۰۰ کیلوگرم شیر با ۶ درصد چربی می بلعد.
(همشهری آنلاین)
سرانه مصرف لبنیات در کشورهای پیشرفته ۳۶۰ کیلوگرم، در ایران ۱۵۰!
(اخلاق نیوز)



وزیر جهاد کشاورزی

ایول! به ایده کارآفرینی دانش بنیان؛ تنگه رو که بستیم کشتی مشتت رد نمی شه. امنه. قشنگ چندتا ماده نهنگ می ندازیم توش، اینا بچه کنن. روزی شیشصد لیتر شیر می دوشیم. با قیمت کیلویی صد تومن الان یا الان (۱۴) می کنه به عبارتی روزی ۶۰ میلیون، ماهی ۲ میلیارد سود خالص. تازه این شیر آب زیبوهای ما صد تومنه. اون با درصد چربی بالاش کلی کره و پنیر پیتزا و گودا هم از بغلش درمی آد.

فرشته شاهان

کیهان

آفرین! بین اون پیشنهاد دریافت عوارض ۱۰ تریلیون دلاری از فیبرای نوری کف تنگه که گفتیم؟ اون صورت خوشی نداره، منتفیه. نقشه عوض شد؛ می زنیف فیبر نوریا رویچی می کنیم، هرکی هم چیزی گفت، می گییم او! ببخشین، دم نهنگ خونگی مون گرفته بهش، جر خورده. خواستین بیاین تعمیر، مشکلی نیست، فقط این پت های زبون بسته مون آدم می بینن، شیرشون خشک می شه! برای ما هزینه داره؛ می دونین دیگه؛ حمایت از حیوانات و این صوبتا!



رئیس اتحادیه صنایع لبنی

جناب وزیر، دیدین دیگه چیزی نمونه لبنیات کامل از سید خرید مردم حذف بشه. زحمت چندتا فرغونی، نیسانی، چیزی بفرست بچه ها بیان این شیرای برگشتی مارو ببرن، تا تاریخش نگذشته بده دست کم اون بچه نهنگات بخورن که چرخه تولید زیر آبی تون متوقف نشه!



ثبت نام در مدارس دولتی هزینه‌ای ندارد و گرفتن هرگونه وجه در مدارس دولتی، به استثنای هزینه‌های مربوط با بیمه دانش آموزی، هزینه کتب درسی و لباس کار در هنرستان‌ها ممنوع است.

- جواد خیابانی:** من رفتم به معلم قدیمم توی مدرسه سر بزنم، ازم پول گرفتن چه جوری می‌کن بدون پول ثبت نام می‌کنن؟
- مریم امیر جلالی:** مدرسه ما حتی نذری هم می‌خواست بده، نخود و لوبیاش رو از ما می‌گرفت. ثبت نام بدون پول نمی‌دونم چه صیغه‌ایه دیگه والا.
- ناصر همتی:** یادش به خیر! من کارمند ساده بانک بودم، کپی گرفتن از مردم ممنوع شد، الان که رئیس بانک مرکزی شدم، هنوز هم دارن کپی می‌گیرن، این هم عین همونه.
- ترامپ:** تنگه هرمز هم همین جوریه، خودم بازش کردم، پولی نمی‌خواد بدی، فقط یک عوارض کوچولوئه که چیزی نیست، بدین بره دیگه گداگشها.
- وزیر نیرو:** والا ما هم هر سال می‌گیم برق نباید قطع بشه، ولی خب چی کار کنیم؟ برق هم مثل درس فزازه، خودش می‌ره.
- پیمان جلیلی:** ما هم امسال گفتیم دیگه حق ندارن سریالای تکراری پخش کنن، به جز سریالایی که سال پیش پخش شده.
- سخنگوی دولت:** دوستان! افزایش قیمتا هم توجیه قانونی نداره و هر وقت قانونی شد، ما اعلام می‌کنیم، خیالاً راحت.
- مدیر مدرسه:** حالا شما رایگان اومدین داخل، ولی دوست دارم بدونم موقع دادن کارنامه و پرونده آخر سال چی کار می‌خواین بکنین.



با مسئولیت خودت

«بله! تو رستم تهمتتی، بزن که خوب می‌زنی...؟!» گفتم: «آفرین! بازیکنای قدیم تیم ملی باید بیان از تو یاد بگیرن!» گفتم: «هر بار این درو، محکم بنبد نرو (کابوس شبانه‌ام برای تنگه هرمز!) رو هم بلدم ریتیمیک بخونم و قر بدم تا بچه‌ها توی رختکن حوصله شون سر نره!» گفتم: «چه خوب! حالا بگو گل زدن بلدی؟! گفتم: «آره، کار هر روزمه! یک حالی می‌ده! باید اول این جوری دودش کنی... بگم بیارن، باهم بزنیم؟!» گفتم: «نه، هر گلی می‌زنی به سر خودت بزن! تو فقط بگو توپ که زیر پاته، چارچوب شناس هستی؟!» گفتم: «من به چارچوب پایبند نیستم! هر جا من شوت بزنم، دروازه کشورارو باید بیرن همون جا!» گفتم: «محوطه جریمه رو می‌شناسی؟ به وقت خطا نکنی، داور جریمه مون کنه.» گفتم: «خودم جریمه ش می‌کنم! تعرفه می‌بندم بهش! داور چینی باشه که بدتر!» گفتم: «آفرین! همه سؤالات رو با موفقیت جواب دادی، توی تست امیرخان هم قبول بشی، به عنوان سوژه خنده می‌ذاریمت توی اردو! ولی چون بچه‌های بازیگوشی ان، با مسئولیت خودت...»

پ.ن: یک گذرنامه جعلی ایرانی برای ترامپ درست کردم و دادم بهش تا ازش امتیاز بگیرم! در مرز آمریکا همه بازیکنان ایرانی با موفقیت وارد آمریکا شدن، جز ترامپ که گذرنامه‌اش جعلی از کار درآمد و بازداشت شد! فعلا تحت حفاظت کار می‌کند تا دوره ریاست جمهوری اش تمام شود... (ادامه دارد)

تصمیم گرفته بودم به عنوان یک گزارشگر شگر بروم آمریکا و جام جهانی را گزارش کنم. پس با کلی مدارک جعلی خودم رابه عنوان نماینده ایران برای توافق آتش بس معرفی کردم تا وارد آمریکا شوم. پس از چند دور مذاکره، بالاخره ترامپ گفت: «حالا که جام جهانی چند روز دیگه شروع می‌شه، بیا به معامله‌ای بکنیم.» گفتم: «چه معامله‌ای؟ فقط بگم تنگه و اورانیوم و غنی سازی و ایران و غرور ما سر جاش می‌مونه. حالا بگو چی می‌خوای؟!» گفتم: «شما من رو بذارین نوک حمله، من هم می‌گم ویزای بازیکنان رو صادر کنن!» گفتم: «تو مگه فوتبال بلدی؟ تو اصلا مگه ایرانی هستی؟» گفتم: «شایعه شده بود او با ما بوشهریه! مگه من جیم از او با ما کمتره؟! کشور چغرو و بدبدنی هم دارین! شیرخشک مامی و نون باکت ددی (که برنده‌های جدیدمه!) حلالتون! حالا می‌شه گذرنامه ایرانی بهم بدین؟! آخه هیچ تیمی من رو راه نمی‌ده!» گفتم: «خب این جوری که نمی‌شه. باید جلو امیرخان تست بدی.» گفتم: «من قبلا جلو شاهرخ خان توی هند تست دادم و گفتم عجب فیلمی هستی! امیرخان که سخت‌گیرتر از شاهرخ خان نیست، هست؟!» گفتم: «این با اون فرق می‌کنه! این خودش هم فیلمه! به همین دلیل سخت‌تر می‌شه برات! فقط تا قبل اینکه تیم ملی برسه، یه سری سؤال هست که باید جواب بدی.» با خوش حالی گفتم: «بگو، بگو، من آماده‌ام.» گفتم: «سرود ایران رو بلدی بخونی؟» گفتم:



رئیس دفتر رئیس جمهور:

اگر گرانی نبود، قحطی می‌شد.



(ایسنا)

<p>صد او سیما:</p> <p>اگر تبلیغات وسط سریال نبود، سنگ کلیه به علت نرفتن به دست شویی ایجاد می‌شد.</p>	<p>دندان پزشک:</p> <p>اگر درد دندان نبود، خانه من داخل بولوار سجاد نبود.</p>	<p>عاصم منیر:</p> <p>اگر من نبودم، آتش بس نبود، فقط آتش بود.</p>	<p>رئیس بانک مرکزی:</p> <p>اگر نخ به خود کار نبود، نه، حتی تصورش هم سخت است!</p>	<p>لوازم تحریر:</p> <p>اگر کنکور نبود، مداد مشکلی نرم پررنگ هم نبود.</p>
--	--	--	--	--

سقف وام اجاره ۳۰ درصد افزایش یافت!
(جزاید)
۲۰ میلیون نفر در کشور خانه ندارند.
(تی وی فوری)

استخاره

یکی تو فکر قصره
یکی فکر اجاره
یکی دو ویلا داره
یکی ولی پول پیش هم نداره
یکی ولی پول پیش هم نداره
برای وام رهنش
یکی در انتظاره
یکی چهارتا پنت هاوس
اون بالا بالا بالا بالا داره
اون بالا بالا بالا بالا داره
کاشکی که آخر ماه
صابخونه مون دوباره
باز نکشه رو قیمت
رو قیمت اجاره، باز اجاره
یکی «بی ام و» داره
یکی «پراید» سواره
یکی برانش خوشی و
یکی برانش فقط بلا می باره
یکی برانش فقط بلا می باره
کاشکی واسه اجاره
مادر من دوباره
نفروشه باز النگو
نفروشه گوشواره
نفروشه گوشواره
یکی داره تو معدن با روزگار می جنگه
یکی داره تو استخر با ریفقاش می شنکه
یکی ولی چه راحت! دلاله چون زرتکه
یکی شبها تو کارتن می خوابه، جاش چه تنگه
به خود می گه که امشب، امشب پرستاره
بارون نیاد الهی دوباره باز دوباره
آهای وزیر مسئول
وقتی می آی اداره
نرخ اجاره ها رو
فقط نکن نظاره
یه کاری کن برامون
فقط نکن اشاره
فقط نکن تو لطفنا
پشت هم استخاره
استخاره، استخاره...

اداهای اداری

پس از انتخاب یک پوشش خنک و بدون کت توسط رئیس جمهور در یک جلسه رسمی اداری برای فرهنگ سازی مصرف بهینه انرژی، برویم ببینیم دیگر چه اداهای و رسوم غلط اداری ای داریم که آن ها را هم می شود اصلاح کرد:

بیخجال سازی اداری



اون سری که رئیس جمهور کولرا رو خاموش کرد، فکر کنم شما غایب بودی!

واقعا رئیس جمهور حتی بدنش هم با ما فرق داره. کت رو که درمی آری، دیگه نمی شه سرما رو تحمل کرد!

سرویس اداری به همه جا



گفتن برای مسیری کمتر از دوپیست متر دیگه از سرویس خبری نیست. پیرین بالا برسونمتون رئیس.

وای! دیگه نه! هنوز جای دفته قبلی که با دوچرخه رسوندیم درد می کنه!

کاغذبازی



این بخش نامه جدید صرفه جویی در مصرف کاغذ، چون موضوع مهمیه، بونصد تا کی ازش بگیر و به همه ابلاغ کن. یادت باشه از همه شون رسیدگتی بگیری.

جلسات ویتامین گیری



این جلسه همین جور پیش بره، با این انرژی ای که می گیره، فکر کنم نتایج خوبی برای مردم داشته باشه!

به شرطی که این تیکه آخرش بیاد بیرون که خدای نکرده یه وقت اسراف نشه و مدیون مردم نشیم!

تشریفات نوشابه بازکنی



به قول حافظ «بی مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم!» شما با این مراسم واقعا بنده رو غافل گیر کردین!

قریان، این هدایای نفیس که از قبل برای روز تودیعتون گفته بودین، آماده کنیم... آخ! چرا می زنین؟ چیز بدی گفتم؟

فعال نمایی فرمالیته



این قدر هر دفعه به مسئول اومد شهر ما این پروژه رو برای شونصدمین بار افتتاح کرده که دیگه قیچی کند شده!

این چرا قیچی نمی شه؟



شونجی

الهی! الهی! الهی! از کالری مورد نیاز بدنمان با کالبرگ اهدایی دولت تأمین می شود. لطفی بکن و برای تأمین آن نیمه دیگر هم راهی پیش پایمان قرار بده.

پلخمون

صاحب امتیاز: شهرزادی مشیرد
مدیر مسئول: سیدمجتب موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتم
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
مدیر هنری: سید هاشم دقیق
گرافیک و صفحه آرایی: ساعد عاشوری
ویراستاری: علیرضا میرزاد
پیمک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraneews.ir

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا